

# دست بالاکن گجو

# این بار باصوتی جلدی

# دست های مابه

# دامان حسین بن علی

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی

ماحب امتیاز

شهرداری مشهد

مدیرمسئول

سید مهین موسوی مهر

رئیس تحریر

سید سجاد طلوع هاشمی

سال هفدهم

۱۱ تیر ۱۴۰۴

۶ محرم ۱۴۴۷

شماره ۴۵۲۴

نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵

دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸۱-۵

تلفن: ۰۵۱-۳۸۴ ۹۰۳۸۴

روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

۴شنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق نامه اخلاق حرفه ای

دمای هوای مشهد

۱۸% رطوبت هوا

۳۷% ↓ ۲۵% ↑ ۳۷% ظهیر

۳۲% صبح

۲۸% شب

۳۳% عصر

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۳۵:۴۰

نیمه شب شرعی ۲۲:۴۲:۰۲

غروب آفتاب ۱۸:۵۳:۰۲

اذان صبح فردا ۰۲:۳۱:۴۲

اذان مغرب ۱۹:۱۴:۲۰

طلوع آفتاب فردا ۰۴:۱۸:۴۸

طرح روز

۱۲ تیر سالروز شهادت ۲۹۰ سرنشین پرواز مسافربری ۶۵۵ ایران ایر است که سال ۱۳۶۷ مورد حمله موشک های ناو وینسنس آمریکایی قرار گرفت. این اثر را احمد آفاقلی زاده، در واکنش به این جنایت خلق کرده است.

چکامه

ای جوشش و تلاطمت امسال بیشتر

شکر خدا که شد غمت امسال بیشتر دلشوری محزونت امسال بیشتر

"باز این چه شورش است که در خلق است است" ای جوشش و تلاطمت امسال بیشتر

لینیک یاحسین، جهان را گرفته است در اهتزاز پرچمت امسال بیشتر

ماملت امام حسینیه یاحسین پیچیده اسم اعظمت امسال بیشتر

خون شهید معجزه ها می کند هنوز اعجاز حاج قاسمت امسال بیشتر

امسال بیشتر به سر و سینه می زیم تا ریعین ببینمت امسال بیشتر

مهدی جهاندار

حدیث

شما را به تقوای الهی سفارش می کنم؛ زیرا خدا ضمانت داده است کسی را که تقوای الهی پیشه سازد، از آنچه ناخوشی می دارد، به آنچه خوش می دارد انتقال دهد و از جایی که گمان نمی برد، روزی اش دهد.

امام حسین (ع) می فرمایند:

برگرفته از کتاب «گزیده تحف العقول»

آخر روضه

روضة علی اصغر (ع) بخوانید

کشته شده. مراقیشان باشید کسی کارشان نداشته باشد. من امسال روز حضرت علی اصغر(ع) به این فکر می کردم روز قیامت حضرت حسین و رباب علیهماالسلام پیراهن خونی حضرت علی اصغر(ع) را روی دست می گیرند و در حضور جهانیان دادخواهی می کنند و خدا می فرماید قتله کربلا را بیاورند و از میان آن ها حرمه را می آورند و خدا دستور می دهد که در قعر جهنم جایش بدهند. حرمه صحنه شهادت را می بیند و می داند، التماس نمی کند

عراق و یمن و افغانستان و سوریه و ... بقیه ملت های مظلومی که به دست این سفاکان کشته شده اند از گوشه گوشه قیامت در آسمان صحرای محشر به پرواز در می آیند و آوای نحن مظلومون را در جهان سر می دهند و قیامت را به ولوله می اندازند. خدا خدای پابرنه ها و مستضعفین است خدادار کتایش وعده داده که آینده از آن مظلومان است. ما باشیم یا نباشیم مهم نیست. مهم این است که آن روز وعده الهی حتمی است و خدا مثل دیپلمات های کراواتی روزی هزار تار دوغ توثیت نمی کند. هرایه قرآن خدا یک توثیت قطعی واجب و حتمی است که هیچ شکی در آن نیست. من نمی توانم این متن را تمام کنم یک نفر را صدا کنید برای بیان روضه علی اصغر(ع) بخواند. از ما بچه کشته اند. پلیس های جهان با ما کاری ندارند.

کتیبه

حجره های بازار رضا(ع) همچنان میزبان یک پیشه تاریخی است

گل کاشتن روی مخمل های محرمی

هم می شود در بازارهای مشهد سراغ گرفت. بازار رضا(ع) به عنوان میراث دار بازارهای قدیم اطراف حرم مطهر، هنوز هم حجره های زیادی دارد که در آن یا گلدوزها، نقش و نگار می اندازند روی پارچه های سیاه مخمل. یا فروشنده ها انواع و اقسام پرچم های محرمی را آویزان کرده اند از درودیوار بازار رضا(ع) هنوز هم بازار اصلی نزدیک حرم مطهر است و طبیعی است که در آن.

از همه پیشه های تاریخی مشهد که توانسته اند از گذر روزها و روزگارها، جان به در ببرند، می توان سراغ گرفت. پیشه پرچم دوزی هم یکی از همان پیشه هاست. در تکایا و حسینیه های تاریخی مشهد، انواع و اقسام این پرچم های حالا دیگر عتیقه شده را می شود پیدا کرد که در سال های دور به دست هنرمندانی در حجره های اطراف حرم مطهر گلدوزی شده اند. از این

روز واقعه

من شب عاشورای کربلا را دیده ام

کمی دیرتر قدم به روز دهم بگذارند. نگاه به چشم آدم ها که می کنی، یک ترسی، یک دلهره ای، یک آشوب مشترکی موج می زند که از جنس وصال و سبک بالی شام اربعین نیست. نفس که می کشی، قطره های خون راهشان را می گیرند، می ریزند توی قلب آدم. دلت خون می شود. نخل های بین الحرمین، غمگین اند. آدم دلش می خواهد پشت چیزی پنهان شود. کاری از دست هیچ کسی

زن های عرب جوری به سر و سینه می زند که انگار همین حالا، مقتل به روضه قتلگاه رسیده، آدم نفسش بالانمی آید. هیچ روضه ای در کار نیست. روضه خوان ها همه زبان به کام گرفته اند. اینجا درست در دل واقعه است. همه چیز گویاست و این سخت ترین قسمت ماجراست. اما غروب عاشورا در کربلا به طرز عجیبی آرام است. سکوت در هوا می پیچد و حرم ها خلوت شده. همه به خانه هایشان برگشته اند. کار از کار گذشته و درست از این لحظه به بعد، عاشورای هر سال، هرجایی جز کربلا باشی، انگار راه خانه ات را گم کرده ای.

عکس: سمیرا غفاریان قالیباف

محرم است. محرم آغاز راه است برای اینکه پرچم حسین، به اهتزاز دربیاید تا آید. این پرچم، قرار نیست که فقط در محرم و صفر برافراشته باشد، این پرچم، نماد پیروزی حق، در جنگ نابرابرش با کفر است. این جنگ همیشگی است، کفر همیشه بیداد می کند و می تازد و حق، مظلومانه ولی غیرتمند از خود، دفاع می کند. تاریخ، تکرار می شود ولی پرچم حسین، باید همیشه افراشته بماند. به همین خاطر است که فرموده اند: کُلُّ یَوْمٍ عاشورا و کُلُّ اَرْضٍ کربلا (همه روزها عاشورا و همه زمین ها کربلاست) و همان طور که دکتر شریعتی در توضیح این جمله

صحابه

خرین یزید ریاحی

حرا فرماندهان نظامی کوفه بود که پیش از واقعه عاشورا آموریت داشت با سپاه هزار نفری، مانع حرکت امام حسین (ع) به سوی کوفه و نیز بازگشت او شود، اما او در روز عاشورا، به سپاه امام حسین (ع) پیوست و به شهادت رسید. حرا را نماد امید به قبولی توبه و رستگاری بعد از آن می دانند. آرامگاه حر در کربلا واقع شده است.

کیوان دوست من است. توی یک کشور آفریقایی زندگی می کند و آنجا با چند مسلمان هندی، پاکستانی، بنگلادشی و فلپینی و مالزیایی یک هیئت عزاداری زده اند و فعالیت های مذهبی می کنند. کیوان تعریف می کند که یک سال توی دهه اول محرم، روزی که به نام حضرت علی اصغر بود، دسته عزاداری توی خیابان راه انداختیم و شروع کردیم به سوگواری. وسط عزاداری مان بود که رئیس پلیس آن منطقه از شهر آمد و از من پرسید چه کار می کنید؟ من برای او که نه مسلمان بود، نه از تشیع و کربلا چیزی می دانست توضیح دادم عزای شش ماهه را و او همی می پرسید؟ بچه؟! شش ماهه؟ کشتن؟ تشنه؟ و بعد گریه کرده بود و به مأمورهایش گفته بود این ها هر کار دلشان بخواهد بکنند مجازند، شوخی نیست بچه

مجالس عزاء، غیر از سیاه پوشانی های معمول، یک نشانه دیگر هم دارند، پرچم هایی از جنس مخمل که با نخ های قطور، گلدوزی شده اند و مشهد پایتخت همین پرچم هاست. پایتخت هنر پرچم دوزی. هر چند خود مشهدی ها، اسم این هنر را گذاشته اند «گلدوزی». در تابلوهای قدیمی مغازه ها در مشهد، هرجا دیدید نوشته «گلدوزی»، منظور، همین پرچم دوزی های محرمی است. بازارهای اطراف حرم مطهر، تا همین روزگار نه چندان دور، همچنان که بازار سنگ و نگین و قالی و زعفران بوده، بازار پرچم و پرچم دوزی هم بوده است. در همه بازارهای اطراف حرم مطهر، از «بازار زنجیر»، تا «بازارچه حضرتی» و «سرای وزیر نظام»، حتما حجره های طبقه های فوقانی، دست گلدوزها بوده است. از آن میراث تاریخی هنوز

آزاده جهانگیر آدمی که فقط یک بار شب عاشورای شهر کربلا را نفس کشیده باشد، دیگر هرگز شب نهم ماه محرم دور از آن جغرافیا، آرام نمی گیرد. من شب عاشورای کربلا را دیده ام. از برابر مردان دشت داشه پوشی که قمه هایشان را برای ظاهر فردا تیز می کردند، عبور کرده ام. در هوای سنگین بین الحرمین نفس کشیده ام. آن همه مه شوک همد شب اربعین در زمین کربلا را بگذارید کنار. جنس ازدحام آدم ها در شب عاشورا فرق می کند. انگار همه دارند از طلوع آفتاب صبح فردا فرار می کنند. ظای و الظالین نماز صبحشان را بیشتر می کشند و قنوتشان را کش می دهند، شاید

قالب طلا

پرچم همیشه افراشته

آفتاب سر ظهر، سنگ فرش میدان شهدا را داغ کرده است. پیرمردی سقا، مشکى را به دوش انداخته و کاسه ای بر دست، لب تشنگان را سیراب می کند. «بنوش به یاد حسین»، صدای کوفتن بر طبل و دهل و سنج و دمام از همه جا به گوش می رسد. گلدسته ها و گنبد، از دور پیداست. تمام مسیر، از میدان شهدا تا حرم، غلغله ای از جمعیت است. پرچمی سرخ، وسط میدان به اهتزاز درآمده است. در زیر پرتو طلایی خورشید، نام حسین (ع)، بر دل سرخ پرچم، می درخشد و خود نمایی می کند. پرچم داران یک به یک منتظرند تا نوبتشان شود و کسی که پرچم را در دست گرفته، با تمام وجود، آن گونه که انگار در میان میدان جنگی عظیم ایستاده، پرچم را برای قوت قلب هم قطارانش، مردانه می چرخاند و تکان می دهد. در میان شلوغی و ازدحام، پسرکی از مادرش می پرسد: «مادر جان، این پرچم سرخ، مال کیست؟» مادر، با چشمانی خیس، دستش را دراز می کند و گوشه ای از پرچم را لمس می کند. «این پرچم آدم های خوب است پسرم، پرچم یاران سیدالشهداست، پرچم حسین است.» شوق گرفتن پرچم و تکان دادن آن در میانه ی میدان، در دل پسرک زنده می شود. او هم می خواهد پرچم دار حسین باشد.

عکاس: زینب حسینی

حمید سلطان آبادیان